

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2021S4D16SH5M0084 ISSN-P: 2538-3701

بررسی جایگاه علم قاضی و نقش آن در امور کیفری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر خلیل الله احمدوند^۱

استادیار گروه الهیات، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشاه رازی، کرمانشاه ایران

زهرا زیوری میرزایی

چکیده

در ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف علم قاضی آمده است علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است وی موظف است قرائن و امورات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند. برای پاسخ به این سوال که علم قاضی چیست باید گفت علم قاضی بر طبق قانون مجازات اسلامی عبارت است از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. به عبارت دیگر یعنی یقین و اطمینانی که از مستندات ارائه شده در مورد موضوع که نزد قاضی یا مقام قضایی مطرح می گردد حاصل می شود. در این مقاله به بررسی جایگاه علم قاضی و نقش آن در امور کیفری می پردازیم.

واژگان کلیدی: جایگاه، علم قاضی، امور کیفری، حکم

^۱ نویسنده مسئول

۷۸۱



مقدمه

در میان ادله چهارگانه، یعنی اقرار، شهادت، قسامه و علم قاضی، علم قاضی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی و نیز قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری و قوانین متعاقب آن، تغییرات بنیادی در نظام جرایم و مجازات‌ها و رسیدگی به امور کیفری بر اساس موازین اسلامی و حقوق جزای ایران ایجاد شد. علم قاضی بعد از تغییرات مربوط به قانون ایجاد شد. به موجب این تغییرات، علم قاضی در قوانین پیش‌بینی شد در حالی که قبل از انقلاب در قوانین مصوب ذکری از علم قاضی نبوده است.

بخش اول: مفهوم علم قاضی

در ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف علم قاضی آمده است: «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است او موظف است قرائن و امرات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند. در چه مواردی علم قاضی موجب رسیدن به مجرم می‌شود؟

یک) وقتی محقق است که علم قاضی در خارج از جلسات تحقیق و محاکمه کسب شود؛ به این معنی که قاضی قبل از طرح دعوا در محکمه، واقعه کیفری را شخصا ملاحظه کند.

دو) هنگامی محقق است که قاضی پس از ملاحظه طرح شکایت و دلایل، شواهد و قرائن اتهام و استماع مدافعات متهم و ادله و شواهد اتهام و با بررسی کامل محتویات پرونده و دلایل آنان و استماع اظهارات طرفین دعوا، عالم به صحت اسناد جرم به متهم یا عدم صحت آن شود. معمولا مستند علم قاضی، همان قرائن قطعی علم آور هستند. این قرائن ممکن است در قالب نظریه کارشناس، تسامع و استفاضه مفید علم (که از ناحیه انجام تحقیقات محلی یا معاینه محل به دست می‌آید)، اخبار عادل واحد (در مواردی که تعدد مشهود لازم است) اقرار به کمتر از حد مقرر، اقرار در نزد قاضی تحقیق و در مراحل تحقیقات مقدماتی باشند. بنابراین علم قاضی به لحاظ اعتبار و حجیت سزاوارتر است؛ زیرا کاشف بودن علم قاضی و طریقت آن به واقع،

قوی تر از دلیلی است که در موضوع قضاوت و صدور حکم کاشف شمرده می شود چرا که با وجود علم نیازی به اقامه بینه و اقرار نیست. این مطلب در ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز اشاره شده است «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود ادله قانونی معتبر است و براساس آنها رأی صادر می شود.

بخش دوم: تعریف علم قاضی و نقش آن در امور کیفری

علم به مفهوم دانستن و آگاهی انسان نسبت به ماهیت وقایع و پدیده‌های محیط اطراف است. از دیدگاه منطقی، علم کیفیتی است که بر اثر ترکیب احساس مجرد فعلی با احساسات قبلی در ذهن آدمی ایجاد می شود. این کیفیت و چگونگی را ادراک یا آگاهی، یا صورت حاصل شیئی خارجی در ذهن می گویند که از آن به شناسایی و علم نیز تعبیر شده است. بر این اساس علم یکی از حالات ذهنی و دماغی انسان است که در نتیجه سنجش و ارزیابی مجموعه قرائن، شواهد و اوضاع و احوال حاکم بر یک پدیده خارجی به دست می آید و در نتیجه انسان وقوع یا عدم وقوع پدیده مورد بحث را مسلم و محرز می داند. بنابراین علم همان قطع و یقین شخص است که در نتیجه تفکر و اندیشیدن برای او حاصل می شود. حرکت فکر به صورت اندیشیدن پیرامون یک موضوع خاص انسان را به نوعی باور و اعتقاد می رساند که این اعتقاد را تصدیق نیز می نامند. این اعتقاد نتیجه سنجش و ارزیابی کلیه احتمالات موجود است که نهایتاً در قالب انتخاب قوی ترین آنها متجلی می -گردد. به طوریکه با پیدایش این تصور و اعتقاد، سایر احتمالات مغایر با آن احتمال قوی از ذهن و ضمیر فرد بیرون می رود و دیگران نیز این اعتقاد را مقرون به واقع می دانند.

بخش سوم: مفهوم علم قاضی در صدور رای کیفری

روش های حصول علم قاضی به واقعه مجرمانه از حیث زمان و مکان ارتکاب جرم دو دسته است: قسم اول وقتی محقق است که علم قاضی در خارج از جلسات تحقیق و محاکمه کسب



شود؛ به این معنی که قاضی قبل از طرح دعوا در محکمه، واقعه کیفری را شخصا ملاحظه کند. اما قسم دوم هنگامی محقق است که قاضی پس از ملاحظه طرح شکایت و دلایل، شواهد و قرائن اتهام و استماع مدافعات متهم و ادله و شواهد اتهام و با بررسی کامل محتویات پرونده و دلایل آنان و استماع اظهارات طرفین دعوا، عالم به صحت اسناد جرم به متهم یا عدم صحت آن شود. در فقه امامیه از اطلاق قول مشهور فقها در باب حجیت علم قاضی و نیز از ظاهر بعضی کلمات ایشان و صراحت برخی دیگر چنین برداشت می‌شود که علم قاضی اعم از اینکه در خارج از جلسه محاکمه تحصیل شود یا در جلسه محاکمه، دارای اعتبار و حجت است. وی اضافه می‌کند: در تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی جدید آمده است: «مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعا علم آور باشند می‌توانند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعا موجب یقین قاضی نمی‌شود نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.

بخش چهارم: انواع علم قاضی

روش‌های حصول علم قاضی به واقعه مجرمانه از حیث زمان و مکان ارتکاب جرم دو دسته است:

قسم اول: وقتی محقق است که علم قاضی در خارج از جلسات تحقیق و محاکمه کسب شود؛ به این معنی که قاضی قبل از طرح دعوا در محکمه، واقعه کیفری را شخصا ملاحظه کند.

قسم دوم: هنگامی محقق است که قاضی پس از ملاحظه طرح شکایت و دلایل، شواهد و قرائن اتهام و استماع مدافعات متهم و ادله و شواهد اتهام و با بررسی کامل محتویات پرونده و دلایل آنان و استماع اظهارات طرفین دعوا، عالم به صحت اسناد جرم به متهم یا عدم صحت آن شود. در فقه امامیه از اطلاق قول مشهور فقها در باب حجیت علم قاضی و نیز از ظاهر بعضی کلمات ایشان و صراحت برخی دیگر چنین برداشت می‌شود که علم قاضی اعم از اینکه در خارج از جلسه محاکمه تحصیل شود یا در جلسه محاکمه، دارای اعتبار و حجت است. در

تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی جدید آمده است: «مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌توانند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.

بخش پنجم: نظام دلایل کیفری در حقوق اسلام

در این خصوص برخی از نویسندگان معتقدند: «فلسفه وجودی قضاوت اسلامی در چارچوب نظام دلایل قانونی بهتر محقق می‌گردد، پس علم قاضی هم باید از طرق مورد رضای شارع فراهم آید؛ زیرا نظام دلایل قانونی با توجه به اصول ثابتی که دارد، به شایستگی، قاضی را به طریق صحیح تشخیص موضوع و صدور حکم راهنمایی میکند، بلکه او را ملزم به رعایت دقیق ضوابط مینماید؛ چنان که اگر علم و یقین وجدانی وی به نحو کامل، منطبق بر قالب فرمولهای قانونی نبود، حق صدور حکم و تصمیم‌گیری را از او سلب میکنند. پس این قانونگذار است که پیشاپیش و بر اساس یک برنامه کلی، ارزش اثباتی دلایل را تعیین می‌نماید. بر این اساس قاضی شرع، ملزم به اطلاع کامل از احکام قضایی اسلام و اشراف کامل بر مقررات مربوط به دلیل و آیین دادرسی گردیده است؛ زیرا در کنار توانمندی بر تطبیق احکام بر موضوعات و مصادیق محقق شده در خارج، این مأموریت را هم دارد که ادله و طرق اثبات دعاوی و اتهامات مطرح شده را از نظر کمیت و کیفیت و اوصاف و این که آیا ارزش هر یک در عرض هم یا در طول یکدیگر است را به خوبی شناخته باشد». از بررسی و دقت در متون حدیثی و فقهی اسلامی، به طور عام و جوامع حدیثی و فقهی شیعه، به نحو خاص دانسته میشود که سیستم قضایی اسلام، طرفدار نظام دلایل قانونی است. البته مکتب فقهی شیعه، در ضمن حفظ احترام و رعایت نظام دلایل قانونی، مزایای سیستم دلایل معنوی را از چشم دور نداشته و اعتباری که به علم و یقین قاضی - به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی - بخشیده، شاید بر همین اساس باشد؛ البته برای در امان ماندن از معایب



سیستم اقتناع وجدان که ممکن است به خاطر آزاد گذاشتن دست قاضی، ضررهای جبران ناپذیری متوجه افراد شود، احتیاطهایی صورت گرفته است.

بخش ششم: علم قاضی در امور کیفری

علم قاضی به عنوان دلیل اثبا جرم در مقررات قانونی قبل از انقلاب پیش بینی نشده بود. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ در جرائمی چون سرقت و قتل در مواد ۱۰۵ و ۱۲۰ با این قید که علم قاضی باید از طریق متعارف حاصل شده و مستند آن ذکر شود به عنوان دلیل معتبر شناخته شد. ولیکن همواره در امکان استناد به آن در کلیه جرائم اختلاف نظر وجود داشت. که نهایتاً قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۶۰ علم قاضی را با رعایت قیودی به عنوان یک دلیل اثباتی در تمام جرائم پیش بینی کرد. بر اساس ماده ۲۱۱ قانون اخیر علم قاضی عبارت است از یقین حاصل از مستندات در امری که نزد وی مطرح می شود و باید قرائن و مستندات علم به طور صریح در حکم قید شود. و مواردی چون نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیق محلی، اظهارات مطلع، گزارش ظابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می توانند مستند علم قاضی قرار بگیرند. در نتیجه قانون مجازات اسلامی جدید علم قاضی را که بر اساس محتویات پرونده و ناشی از مجموعه قرائن و امارات بین قابل نظارت و سنجش مجدد در مراجع بالاتر قضایی و نظارتی باشد به عنوان دلیل در اثبات جرم شناخته و علم شخصی خارج از پرونده را ملاک صدور حکم ندانسته است و از این جهت این قانون با قوانین مربوط به امور حقوقی همسو شده است. به عبارت دیگر علم قاضی با رعایت چهار شرط می تواند مبنای صدور حکم قرار بگیرد: تحصیل علم از روشهای متعارف قابل سنجش و نظارت باشد، منشأ پیدایش علم در رأی ذکر شود و مستند آن در پرونده وجود داشته باشد، و آن مستند در معرض تعارض طرفین دعوا یا دفاع قانونی متهم در پرونده کیفری قرار گیرد.

بخش هفتم: علم قاضی در مکتوبات مختلف و وضعیت حقوقی سایر کشورها

همچنان که گذشت، طبق فقه اسلامی و قوانین جزایی ایران قضات در عمل به علم خویش با وجود شرایطی که اشاره شد مجاز به عمل کردن و صدور حکم هستند و این امر در حقوق

برخی دیگر کشورها از جمله در فرانسه، اروگوئه و ایتالیا به طرق دیگری قابل مشاهده است. در بررسی آثار و مکتوبات فقها در خصوص اثبات قتل به وسیله علم قاضی مشخص می‌شود که امام معصوم (ع) می‌تواند به استناد علم شخصی خود به طور مطلق حکم کند ولی نسبت به غیر معصوم اختلاف نظر است؛ بدین شرح که مشهور فقهای شیعه از جمله صاحب جواهر این عقیده را دارند که قاضی غیر معصوم نیز همانند امام معصوم (ع) در همه دعاوی و جرایم اعم از حق الله و حق الناس نظیر قتل و قصاص می‌تواند به استناد علم خویش قضاوت کند. اما برخی از فقها بر این عقیده هستند که قاضی مطلقاً نمی‌تواند مطابق علم خود دعاوی را ثابت کند. قول دیگری که به ابن جنید نسبت داده شده این است که قاضی می‌تواند به استناد علم خود فقط در حق الناس داوری کند. همچنین نظر دیگری از ابن جنید روایت شده است که قاضی فقط در حق الله می‌تواند به علم خود قضاوت کند. وی ادامه می‌دهد: شیخ طوسی در نهاییه می‌فرماید: «هنگامی که امام (ع) کسی را مشاهده کند که زنا می‌کند یا خمر می‌نوشد بر او لازم است تا علیه آن شخص، حد جاری کند و منتظر اقامه بینه یا اقرار بزهاکار نباشد. البته چنین اختیاری مخصوص شخص امام (ع) است و قاضی غیر معصوم گرچه صحنه جرم را مشاهده کند جهت اجرای حد نیازمند اقامه بینه یا اقرارفاعل است. با عنایت به دلایل مطرح شده در خصوص اجازه اثبات دعاوی از جمله قتل به وسیله علم شخصی قاضی و از آنجا که قانونگذار جمهوری اسلامی طبق اصل چهارم قانون اساسی باید تمامی قوانین و مقررات مدنی، جزا، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها را بر اساس موازین اسلامی تهیه کند، پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون حدود و قصاص و مقررات آن نیز قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی صدور رای کیفری مصوب سال ۱۳۶۱ و قوانین متعاقب آن، تغییرات بنیادی در نظام جرایم و مجازات‌ها و رسیدگی به امور صدور رای کیفری بر اساس موازین اسلامی و حقوق جزای ایران ایجاد و به موجب این تغییرات، علم قاضی در قوانین ایران پیش‌بینی شد در حالی که قبل از انقلاب در قوانین مصوب ذکری از علم قاضی نبوده است. علم قاضی به عنوان دلیل اثبات جرم در مقررات قانونی قبل از انقلاب پیش‌بینی نشده بود. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ در جرائمی چون سرقت و قتل در مواد



۱۰۵ و ۱۲۰ با این قید که علم قاضی باید از طریق متعارف حاصل شده و مستند آن ذکر شود به عنوان دلیل معتبر شناخته شد. ولیکن همواره در امکان استناد به آن در کلیه جرائم اختلاف نظر وجود داشت. که نهایتاً قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۶۰ علم قاضی را با رعایت قیودی به عنوان یک دلیل اثباتی در تمام جرائم پیش بینی کرد. بر اساس ماده ۲۱۱ قانون اخیر علم قاضی عبارت است از یقین حاصل از مستندات در امری که نزد وی مطرح می شود و باید قرائن و مستندات علم به طور صریح در حکم قید شود. و مواردی چون نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیق محلی، اظهارات مطلع، گزارش ظابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می توانند مستند علم قاضی قرار بگیرند. در نتیجه قانون مجازات اسلامی جدید علم قاضی را که بر اساس محتویات پرونده و ناشی از مجموعه قرائن و امارات بین قابل نظارت و سنجش مجدد در مراجع بالاتر قضایی و نظارتی باشد به عنوان دلیل در اثبات جرم شناخته و علم شخصی خارج از پرونده را ملاک صدور حکم ندانسته است و از این جهت این قانون با قوانین مربوط به امور حقوقی همسو شده است. به عبارت دیگر علم قاضی با رعایت چهار شرط می تواند مبنای صدور حکم قرار بگیرد: تحصیل علم از روشهای متعارف قابل سنجش و نظارت باشد، منشأ پیدایش علم در رأی ذکر شود و مستند آن در پرونده وجود داشته باشد، و آن مستند در معرض تعارض طرفین دعوا یا دفاع قانونی متهم در پرونده کیفری قرار گیرد.

بخش هشتم: تعارض علم قاضی با ادله دیگر

تعارض علم قاضی با ادله دیگر بدین معنا می باشد که افراد اغلب برای مطرح کردن دعوا بیش از یک دلیل ارائه می کنند گاهی این امکان وجود دارد که قاضی از مستندات و مدارک یقینی حاصل کند که با سایر دلایل و مدارک موجود در تضاد باشد به عنوان مثال: ممکن است نظر کارشناس در خصوص یک موضوع در تضاد با سایر دلیلی باشد که فرد به عنوان دلیل به دادگاه ارائه کرده است در این خصوص اگر علم قاضی به این صورت باشد که بر نظر خود باقی بماند آن ادله ارائه شده معتبر نیست و قاضی می تواند رای خود را با تصریح و ذکر

دلایل و مستندات که موجب علم خود شده و همچنین علت و جهت رد دلایل دیگر را ذکر و رای صادر کند. چنانچه برای قاضی علم و یقینی به وجود نیاید بر طبق دلایل و مستندات قانونی و معتبر رای صادر می کند. لازم به ذکر است که برای طرح دعوا کیفری باید افراد همراه با طرح دعوا دلایلی را برای اثبات ادعا خود همراه با شکواییه به مرجع قضایی ارائه نمایند که قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۶۰ ادله اثبات جرم را اقرار شهادت، قسامه و سوگند را بیان کرده است که در صورتی که بین هر یک از آنها تعارض و تضادی باشد اقرار بر شهادت، قسامه و سوگند مقدم است به عبارت دیگر ابتدا اقرار سپس شهادت و بعد قسامه و سوگند تقدم دارد.

بند اول: تفاوت علم قاضی در امور کیفری و مدنی

علم قاضی در امور مدنی با امور کیفری تفاوت‌هایی دارد. در امور مدنی علم قاضی در مرحله بررسی "دلیلیت دلیل" بکار می‌آید ولی پس از اثبات دلیلیت، دیگر مجاللی برای عدم تمسک به دلایل باقی نمی‌ماند و باید قاضی طبق دلیل قانونی رای دهد. مثلاً اگر قاضی اقرار طرف را کذب دانست، دیگر نمی‌تواند بر مبنای آن حکم نماید. طریق تشخیص کذب بودن اقرار و یا دروغ بودن شهادت شهود، علمی است که برای وی بوجود می‌آید. بنابراین، بخلاف امور مدنی که علم قاضی در مرحله دلیلیت دلیل به کار می‌آید، در امور کیفری علم قاضی مبنای حکم است و خود دلیل متقن و مستقل برای اثبات حق بشمار می‌رود. یعنی علم قاضی هم برای ارزش‌گذاری به دلیل و هم در مرحله حکم به عنوان مینا و مستند آن به کار می‌آید. مشروعیت دلیل بسته به میزان اطمینانی است که برای قاضی به وجود می‌آورد. لذا هر چند دلیل مثل اقرار و شهادت شهود، معتبر باشد اگر نتواند برای قاضی علم ایجاد کند، دلیلیت ندارد. قاضی باید وجداناً این مسئله را احراز کند که مستندات پرونده - هر چند از اهمیت بالایی برخوردار باشند- آیا برای وی مفید علم هست یا خیر و چنانچه آن مستند برای وی علم ایجاد نکرده مستند قرار گیرد، عندالله معاقب و در نزد مردم نیز ضامن می‌باشد. اما باید گفت که متأسفانه ملاک و معیاری برای ارزیابی این مسئله وجود ندارد و قاضی در گفته خود مبنی بر



ایجاد علم وجدانی و یا عدم آن، تصدیق می‌شود. امام خمینی نیز در ذیل مسئله ۸ باب قضاء تحریر الوسیله می‌فرماید: لَا يَجُوزُ لَهُ الْحُكْمُ بِالْبَيِّنَةِ إِذَا كَانَتْ مُخَالَفَةً لِعِلْمِهِ أَوْ إِحْلَافٍ مَنْ يَكُونُ كَاذِبًا فِي نَظَرِهِ. یعنی قاضی نمی‌تواند بر مبنای بیینه‌ای که مخالف علم اوست رای دهد یا به سوگند کسی - که بر حسب نظر او دروغگو است - ترتیب اثر دهد. بدیهی است دلیل آن - چنانچه فوقاً اشاره شد - این است که حجیت بیینه و اقرار، جعلی است یعنی تابع علمی است که برای قاضی به وجود می‌آورد ولی حجیت علم، ذاتی است. جعل طریق ظنی مثل شهادت و اقرار برای کسی موضوعیت دارد که واقع را نمی‌داند ولی کسی که با حاق واقع در ارتباط است، استناد به این طریق ظنی ممنوع است لذا اگر قاضی علم به خطای طریق پیدا کند، نمی‌تواند به آن استناد کند.

بخش نهم: پیشینه تحقیق

شیدا براهویی، غلامرضا عارفیان (۱۳۹۶) تقابل علم قاضی با سایر ادله اثبات دعوی در امور کیفری. در تقابل علم قاضی با سایر ادله اثبات دعوی در امور کیفری در قوانین آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی سال ۹۲، علم قاضی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی بخصوص در مواردی که آن موضوع قابل اثبات توسط دیگر ادله اثبات دعوا نیست، راهگشای قاضی است. همچنین از آنجا که دستگاه قضائی جمهوری اسلامی ایران «سیستم اقناع وجدانی» را پذیرفته است، علم و اقناع قاضی پشتوانه و ملاک اعتبار ادله اثبات دعوا قرار گرفته است. بدین معنا که اقرار، شهادت، سوگند و... در صورتی مستند حکم قرار می‌گیرد که موجب اقناع وجدان قاضی گردد. فقها در علم قاضی بین امور کیفری و مدنی تفصیل قائل نشده‌اند. اکثر فقهای امامیه علم قاضی را به نحو مطلق حجت دانسته‌اند ولی در مقابل فقهای اهل سنت استناد قاضی به علم خود را مخالف سیره پیامر و موجب تهمت او می‌دانند. حقوقدانان معتقدند: قاضی فقط می‌تواند برای ارزیابی دلایل و استنتاج از آنچه به دادگاه ارائه شده از دانش خود استفاده کند، اما نمی‌تواند برای اثبات دعوی یا انکار آن به علم خود استناد کند. در حقوق موضوعه ایران علم قاضی در امور کیفری هم به عنوان پشتوانه و اعتبار



سایر ادله و هم به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی کیفری پیرفته شده است. ولی در امور مدنی از آنجا که کسب دلیل برای یکی از طرفین مطلقاً ممنوع است علم قاضی به عنوان یکی از ادله دعوا پذیرفته نشده است. تحقیقات و معاینه محل، نظر کار شناس و قرائن و امارات همگی مقدمه علم قاضی است و فرض تعارض در آن ها امکان پذیر نیست، چرا که تمام اعتبار و ارزش آن ها ایجاد اقناع وجدانی برای قاضی است. هدف کلی از انجام این پژوهش بررسی تقابل علم قاضی با سایر ادله اثبات دعوی در امور کیفری بارویکرد قوانین آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ می باشد.

الهام حیدری (۱۳۹۳) در مقاله ای به اعتبار علم قاضی در صدور احکام کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب پرداخت. علم قاضی یکی از دلایل اثباتی در دعوی کیفری است که در نتیجه فحص، کاوش و تحقیقات دادرسی در پرونده های ارجاعی برای وی حاصل می شود. این دلیل اثباتی از گذشته تاکنون محور بسیاری از مباحث حقوقی بوده و حوزه ای پرش آفرین است. با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و موادی از این قانون که به بحث ادله اثبات در دعوی کیفری و بخصوص علم قاضی پرداخته است زمینه برای پاسخگویی به سؤالات اساسی که در این حوزه مطرح بوده، فراهم گشته است. بررسی مواد قانون ۱۳۹۲ نشان می دهد که علم و اقناع وجدان قاضی در این قانون در طول سایر ادله قرار داده شده و معیار اثبات دعوی کیفری تلقی گشته است. این مسأله گرچه در تعزیرات دارای سابقه است ولی در حدود و قصاص از ابداعات قانونگذار کیفری تلقی می شود. به نحوی که قانونگذار در این جرایم عمل به ادله قانونی را مشروط به اینکه قاضی علم به خلاف آنها نداشته باشد، امکان پذیر دانسته است.

محمد مومن (۱۳۹۱) اعتبار علم قاضی در دعوی. مقاله ای را که پیش روی دارید در صدد اثبات حجیت علم قاضی در فیصله دادن به دعوی است. اگر چه در برخی از روایات، اعتبار علم قاضی نفی شده است، اما عمده فقها در این مورد بر یکی از دو نظر ذیل اند: ۱. علم قاضی هم در حقوق الله و هم در حقوق الناس اعتبار دارد. ۲. علم قاضی تنها در حقوق الناس اعتبار



دارد نه در حقوق الله. در این میان، دو قول: عدم اعتبار علم قاضی به طور مطلق و اعتبار آن در خصوص حقوق الله، از اقوال نادر به شمار می‌آید. نویسنده محترم با استناد به عموم و اطلاق ادله باب قضا و نیز روایات ویژه این موضوع، به نتیجه‌ای که نظر مشهور فقهای امامیه محسوب می‌شود رسیده‌اند و آن اینکه علم قاضی به طور مطلق حجت است و میان حقوق الله با حقوق الناس تفاوتی وجود ندارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

در حقوق و در دعوی و همچنین احکام صادره از دادگاه عبارت علم قاضی اغلب شنیده می‌شود منظور از علم قاضی یعنی آن چیزی که موجب آگاهی و علم به آن موضوع در قاضی می‌شود که بتواند براساس عدالت و انصاف و آگاهی رای صادر نماید در واقع به عبارت دیگر اگر فردی علیه دیگری دعوی را طرح کند باید برای ادعای خود و برای اثبات آن دلایل و مستندات ا ارائه نماید از جمله: سند و مدرک یا شاهد و یا سوگند و غیره که اگر این مدارک و دلایل باعث شود که قاضی بتواند در مورد موضوع علم و آگاهی و یا یقین کسب نماید و بتواند رای صادر کند عنوان علم قاضی بر آن اعمال می‌گردد که در واقع قاضی برای صدور رای باید علم و یقین به موضوع داشته باشد و این علم با توجه به ادله که به دادگاه ارائه می‌شود به دست می‌آید که هم در دعوی حقوقی و هم کیفری نیاز به ارائه آن دلایل و مستندات است که موجب علم قاضی بشود تا رای مقتضی را صادر نماید که در قانون مدنی علم قاضی به عنوان ادله اثبات دعوا بیان شده است اما در قانون مجازات اسلامی مبحثی تحت عنوان علم قاضی وجود دارد

یکی از مهمترین مباحث حقوق کیفری که تأثیر بسزایی در تحقق عدالت قضایی دارد مبحث راجع به ادله اثبات است که لازم است مقنن احکام آن را با صراحت و شفافیت بیشتر بیان دارد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این ادله را عبارت از اقرار، شهادت، قسامه، سوگند و علم قاضی دانسته است. می‌دانیم که در میان ادله اثبات امر حقوقی، اقرار از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا حدی که اصطلاحاً ملکه دلایل حقوقی گفته می‌شود به نحوی که به محض



وقوع اقرار، قاضی محکمه حقوقی مکلف به صدور حکم براساس آن است. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در اکثر سیستم‌های حقوقی، قضات از اختیارات وسیع برای کشف حقیقت امور مطرح شده برخوردار شده‌اند و این رویکرد ناشی از این اندیشه است که قضات تماشاگری منفعل نیستند بلکه وظیفه کشف حقیقت را دارند. در ایران نیز طبق اصل چهارم قانون اساسی باید کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی و غیره براساس موازین اسلامی باشد و قانونگذار بر مبنای همین اصل علم قاضی را از جمله ادله اثبات عنوان کرده و این اختیار را به قاضی داده است تا در صورتی که به وقوع حادثه‌ای از جمله قتل از روی حس یا از طریق سایر مستندات در پرونده علم پیدا کند بتواند از علم خود در اثبات جرم بهره گیرد. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی و نیز قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری و قوانین متعاقب آن، تغییرات بنیادی در نظام جرایم و مجازات‌ها و رسیدگی به امور کیفری بر اساس موازین اسلامی و حقوق جزای ایران ایجاد شد. به موجب این تغییرات، علم قاضی در قوانین پیش‌بینی شد در حالی که قبل از انقلاب در قوانین مصوب ذکری از علم قاضی نبوده است.



منابع و مأخذ

- ۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۵). حقوق اسلام، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۲- موذن زادگان، حسنعلی. (۱۳۸۹). علم قاضی. مجله پژوهش حقوق و سیاست، تهران. شماره ۱۵. ص ۲۱۳.
- ۳- خرسندیان، محمد علی (۱۳۸۳)، بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق ایران. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره ۲۱. شماره ۳.
- ۴- شعبانی، حسین. (۱۳۹۵). علم قاضی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع).
- ۵- کلاتتری، کیومرث (۱۳۹۷). بررسی فقهی و حقوقی علم قاضی در حقوق کیفری ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مازندران و کارآموز قضایی.
- ۶- عبدالله، شمس، (۱۳۸۰). آیین دادرسی مدنی، جلد ۳، ص ۱۲۸
- ۷- آشوری، محمد (۱۳۸۱)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۸- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۸۰). فقه الامام الصادق، چاپ اول، قم: نشر قدس محمدی.
- ۹- یوسفیان، بهنام. (۱۳۸۳). طریقت یا موضوعیت ادله در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- ۱۰- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۷۹)، بایسته‌های فقه جزا، تهران: نشر دادگستر.
- ۱۱- مجتوبی، سیدجلال‌الدین (1366) ، فلسفه در ایران، چاپ سوم، تهران : انتشارات دانشگاه تهران.

